

ناصر کمالیان

قد است معلم و متعلم

سهد ناسی رحمہ اللہ علیہ

توحد دارد تا زمانی کد در

دھن ساگرد درجالی بالا از مقام

معوی و روحالی نسبت بد اسناد منصور باشد کاملاً یای

بند او نمی گردد . از این کلمات این دیدگاه استنباط می شود که

ساگرد در عین حالی که می بایست نشه کسب دانش از جسمه معرفت

استاد باشد ، نمی بایست به خود اجازه دهد که موجب برسانی جریان آب این چشمه

فیاض گردد با باعث افتادن خدسه و خاساکی بر سطح زلال آن شود سخنان مرحوم سهد ثانی

شامل سایر جنبه های رفتار و سلوک ساگرد نسبت به پاسداری از حریم معویت معلم نیز می گردد ،

که رعایت آنها یک فضای معوی برای معلم و کلاس درس ایجاد می نماید و دهن خواننده رابه

این معنی هدایت می کند که کعبت احرام ساگرد نسبت به معلم می بایست از مرز احترامات

معمولی و متداول با فراتر نهاده و واحد حسیه هائی روحالی و بندس باشد

از جمله :

" - طالب علم باید در مجلس درس سخن استاد را به سنوال خارج از موضوع درس قطع نکند .

- چون دانشجوئی با استاد در گفتگو است هیچ ساگردی نباید در این گفت و شنود مشارکت کند .

بویژه اگر این مشارکت هم آهنکی با سخن استاد تلفی شود .

- طالب علم باید در محضر استاد مودب بنسید و هیثائی و ارسته داشته باشد . آنگونه که در

سان یک دانشجو است و همیشه کتاب خود راهمراه داسه باشد . بهر است بهنگام خواندن کتاب

خود را بدست گیرد و بر روی زمین باز نکند .

- تا استاد اجازه نداده است شروع به خواندن نکند و چون خواست که درس را قرائت کند

ابتدا نام خدا را بر زبان آورد و بر پیامبر و اهل بیت او درود فرستد و برای اسناد و استادان

وی از درگاه ابرد منعال طلب مغفرت نماید و

- باید مداره دروس در محضر اسناد نیاسد . بنا بر این بهر است که ساگردان صبر کنند تا

استاد جمله درس را ترک کند و آنگاه دسته - دسته بمدارکه دروس روز بپردازند . زیرا در

برابر اسناد بلند سخن گفتن و گفت و شنود خود را بگوش وی رسانیدن دور از نزاکت و اخلاق است .

- طالب علم باید در هر حال حرمت اسناد را نکهدارد و در حیات و ممات وی زبان برنمای وی

بگساید و جناچه مفدور باشد شایسه است که پس از بدرود زندگیشرگاه گاه بر سر تربیت استاد

رود و برای او طلب معرفت کند و بکوسد که رو بر او را در علم و دین ستار خود سازد و آداب و آئین اخلاقی را میندای خود کرداد. (۱)

بدرفتن و بیان این سخنان از مرحوم شهیدنای (ندسرد) بعنوان ملاک و معیار مقدس بودن رابطه معلم و متعلم از این جهت می باشد که، اولاً "آن استاد عالیقدر خود از علماء بزرگ اسلام و از اسانید مسلم معارف اسلامی است. و از جمله کسانی است که بخصوص در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی همت و کوشش عظیم میدول داشته است. ثانیاً از آن جهت که آن فاضل نامی و مریب اسلامی ضمن اینکه واجد شرایط و کسوت معلمی بوده خود صاحب نظر در معارف اسلامی نیز بوده است همه آثار خود را با استفاده و الهام از منابع عظیم اسلامی تدوین کرده است. آنچه در باره آداب و آیین های اخلاقی معلم و متعلم آورده است مبتنی بر منون و بصوص دینی و بویژه قرآن مجید و حدیث می باشد چنین فرموده است :

آداب و آئین های علم آموزی و ضوابط مربوط به روابط اخلاقی استاد و شاگرد نیز از همین نصوص الهام می گیرد و طرق استنباط و الهام گیری آنها، همان طرق و راه و روشی است که احکام فرعی دینی بر آن مبتنی می باشد، و یکی از آن طرق عبارت از مراعات و پاسداری عادات و خوبیهای سنجیده و استوار و حساب شده؛ مربوط به کیفیت روابط استاد و شاگردان می باشد. (۲)

به تنها شهیدنای در زمینه لزوم ایجاد فضایی روحانی و آمیخته با معنویت و فداست در کلاس این چنین سخنانی دارد بلکه در میان مدارس دوره نخستین اسلام نیز برای عقیده و روش بوده اند از جمله دکتر محمد غفرانی در کتاب پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام از آنها چنین نقل کرده است :

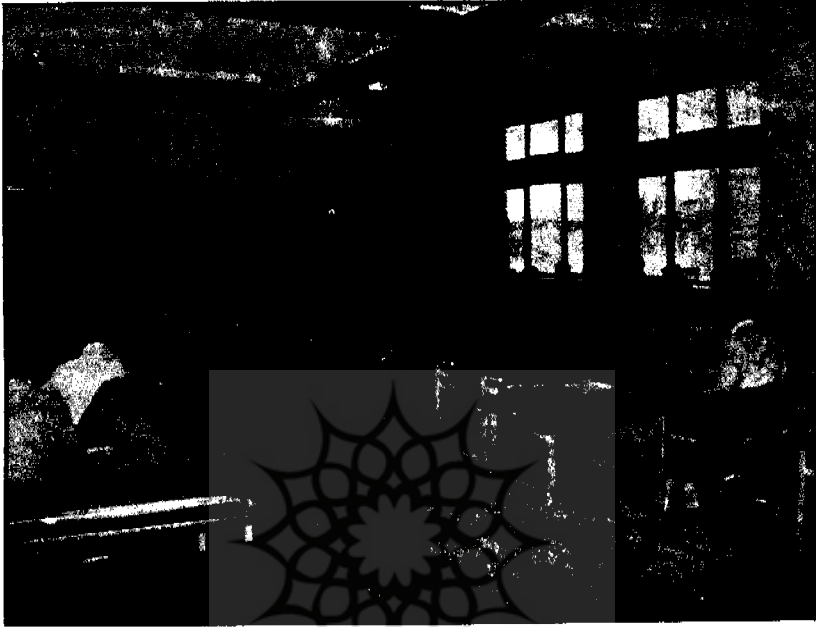
" دانش آموز باید در برابر استاد با احترام باشد و در غیاب از او به بزرگی یاد کند و در دل محبت او را جای دهد. گویند بسیاری از تابعین چون به محضر صحابه می رسیدند و دفترهای خود را برای یادداشت کردن می گسودند برگها را آرام ورق می زدند مباد اصداى آن موجب ضحرت استاد گردد و غالباً اتفاق می افتاد که شاگردان در مجلس صحابه بیای می ایستادند و از محضر آنان کسب فیض می کردند.

دانش آموز باید که به هنگام خطاب نمودن به استاد از بکار بردن ضمیر مفرد اجتناز جوید و ضمیر جمع بکار برد و شایسته است که بگوید : معلم عالی قدر، استاد معظم و امثال آن و به هنگام نقل قول از استاد بگوید شیخ ما چنین فرموده است.

دانش آموز باید قبل از استاد به مجلس درس حضور یابد و در محضر استاد با ادب بنشیند و از تکیه زدن خودداری کند. یعنی آن چنان ننسند که گوئی برنخت امیده است و در هیچ حالت بر استاد پشت نکند. و در درود گفتن و بحیت بامدادی و شامگاهی بر او سبقت و بیسی گیرد و اگر استباهی از استاد سرزند نادیده انگارد.....

دانش آموز باید در حلقه درس استاد آنچنان خود را بنماید که تنها استاد کمد مراد اوست و تا استاد سخن تمام نکرده است لب به سوال نکشاید که بر بی ادبی و سحافت منصف گردد و افسردگی خاطر استاد را فراهم آورد. (۳)

علمای اسلام نه فقط احترام آمیخته با تقدس را از طرف دانش آموز در حق معلم روا دانسته‌اند بلکه از نظر آنها معلم هم نسبت به متعلم باید همین رویه را ملحوظ دارد. کما اینکه شهید ثانی می‌فرماید.



" استاد باید با چهره شاد سخن بگوید و بهنگام ورود شاگردی به مجلس درس از باب تملط و تحیت بیای خیر د و مقدم او را گرمی بدارد ... " (۴)

احترام توأم با روحانیت و معنویت را در حق شاگرد تا آن اندازه ضروری می‌شمارد که استاد را از تمسخر و کوچک نمودن شاگرد بر حذر می‌دارد. و عقیده اش براین است که حتی در قبال حرکات و گفتار رکیک شاگرد نیز اگر از روی عمد نباشد از اقدام به تحقیر او خودداری نماید. سخن او در این باب چنین است:

" چنانچه شاگردی در سؤال از درس ماسخود به حیا گردد و نتوانسد ، مقصود خود را بوجه احسن بیان کند استاد باید در طرح سؤال بدانگونه که شایسته است او را همراهی کند

و چنانچه شاگردی ناخودآگاه سؤال رکیک و بی موردی نمود زنهار که او را مسخره و تحقیر نماید ، و اینگونه وانمود کند که آن سؤال امری طبیعی است و ممکن است از هر شاگردی سربزند . (۵)

رعایت احترام شاگرد تا این حد ، جز بمنظور بزرگداشت شخصیت معنوی و اشتغال مقدس او برای چیست ؟ بدیهی است که هر چند این هاله تقدس بر محفل درس احاطه بیشتری داشته باشد فضای آن را روحانیت و معنویت بیشتری می‌دهد و انگیزه‌های درونی و نفسانی برای اشاعه علم و دانش از طرف استاد و کسب آن از سوی شاگرد بیشتر بوجود می‌آید .

مربیان اسلام در مدارس دوره نخستین نیز به لزوم احترام توأم با روحانیت و معنویت نسبت به شاگرد تاکید کرده و وجود او را بلا شرط مقدس شمرده‌اند . بیان دکتر محمدغفرانی در کتاب پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام از آن مدارس بدینگونه است :

" متقابلاً " هرگاه رفتاری ناشایست از ساگردی سرزند استاد بایدکه ابتدا رفتار او را تلویحاً تقبیح و ازبکوهش و ملامت صریح در برابر همگانش خودداری کند که این گونه تنبیه به روحیه دانش آموزان - لطمه حیران ناپذیر وارد می‌آورد و بگفته امیرالمؤمنان (ع) (النَّصِیحُ فِي الْعِلْمِ نَبِيَّةٌ فَصِيحَةٌ) " (۶) (پند دادن در آشکارا رسوائی است .)

همه بیانات فوق حاکی از این است که در دیدگاه اسلام رابطه معلم و متعلم از احترام و قداست خاصی برخوردار است . و اظهار این درجه و اعتبار معنوی باید قبل از هر کس دیگر در رابطه بین خود معلم و متعلم وجود داشته باشد . عبارت دیگر خود پاسدار و نگهبان حریم حرمت روحانی و مقدس خود باشند . مطالعه و تعمق در این نظریات معلم و متعلم مسلمان را بر این می‌دارد که با رعایت همه مفاهیم آنها ، رابطه معنوی خود را بدانگونه حفظ کنند که نه تنها خویش را از اثرات سازنده آنها در تکوین شخصیت علمی و انسانی و روحانی خود استفاده برگیرند ، بلکه ضامن حفظ وجهه مقدس آنها در جامعه باشد و از طرفی باعث شوند که اجتماع بدیده قداست به جریان معلم و متعلم بنگرد . و در حقیقت همان معنویت را که برای انبیا قائل است برای استاد و شاگرد نیز که ادامه دهنده راه آنهاست قائل باشد . بدیهی است چنانچه معلم و متعلم خود پاسدار این حریم نباشند از دیگر افتخار جامعه در معرفی داشتن آن هیچ انتظاری نمی‌توان داشت .



- (۱) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، محمد غفرانی (۱۳۵۷ صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۴۲)
- (۲) آداب تعلیم و تعلم در اسلام ، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی (۱۳۵۹ ص ۳۶۱ و ۳۶۲)
- (۳) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام : دکتر محمد غفرانی (۱۳۵۹ صفحات ۱۸ و ۱۹)
- (۴) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام : دکتر محمد غفرانی (۱۳۵۹ صفحات ۱۱۳)
- (۵) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، دکتر محمد غفرانی (۱۳۵۷ ص ۱۱۷)
- (۶) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، دکتر محمد غفرانی (۱۳۵۷ ص ۱۹)